

دست‌رسی آزاد به اطلاعات، موانع و ضرورت‌ها*

دکتر عباسعلی کدخدایی

چکیده:

ورود به دورانی که به عنوان عصر اطلاعات شناخته شده در برگیرنده چالش‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی فراوانی است که امروزه در قالب مقوله‌های حقوق اینترنت و حقوق بشر رخ نموده، موجب شده تا جوامع مختلف براساس نیازهای خود راهکارهای متناسب را دنبال کنند. دست‌رسی آزاد به اطلاعات، دانش و جریان آزاد اطلاعات از جمله اصولی هستند که در چارچوب حقوق اینترنت و فضای مجازی رایانه‌ای به دنبال رهیافتی جدید برای حل مشکلات فرا روی جوامع گوناگون بوده که به تبع آن گسترش مباحث جدیدی پیرامون فضای مجازی رایانه‌ای را به همراه داشته است. اگرچه این فضای جدید مجازی، تحولات عظیمی را در پی داشته و گستره مقوله ارتباطات را توسعه بخشیده اما نیازمند بحث و فحص بیشتری به ویژه در رابطه با انطباق و حکومت اصول و قواعد موجود حقوقی در این زمینه است. و این در حالی است که این اصول و قواعد حقوق موجود را کافی بدانیم. به هر حال باید توجه داشت که این امر خود موجب نخواهد شد که در تطبیق موضوع با این اصول و قواعد، خود را بی‌نیاز از ارائه برهان و اقامه دلیل بدانیم. به عبارت دیگر انطباق اصول و قواعد سنتی حقوق بر موضوعات جدید ارتباطات، نیازمند تلاش جدید و گسترده‌ای است.

حق برخورداری از اطلاعات و لزوم آزاد بودن جریان آن، از جمله حقوقی است که به ویژه پس از جنگ جهانی به عنوان مقوله‌های حقوقی رخ نموده و خود موجب افزایش اهمیت اصولی دیگر همانند اصل آزادی مطبوعات و یا بیان شده است. به نظر می‌رسد که همین حق در واقع می‌تواند زیربنا و زیرساخت اصل آزادی اطلاعات در دوران انفجار اطلاعات و عصر ارتباطات نوین قرار گیرد که لازمه آن دست‌رسی و دستیابی آزادانه به اطلاعات است. به عبارت دیگر اصل دست‌رسی آزاد به اطلاعات در عصر ارتباطات اهمیتی فزاینده یافته که نیازمند تعمق و تأمل جدی است.

مقاله حاضر تلاشی است در این راستا و می‌کوشد تا ضمن تبیین جایگاه این اصل، از چالش‌های حقوقی آن سخن بگوید و آن‌گاه بر لزوم قانونمند ساختن و ضرورت هدایت آن به گونه‌ای که منافع دیگران به خطر نیفتد، تأکید می‌کند. در این راستا، پس از بررسی موانع آن نظیر اعمال محدودیت‌های نابجای سیاسی، از ضرورت قانونمندی آن سخن خواهد رفت که در واقع در جهت جلوگیری از تضارب منافع عمومی و خصوصی شهروندان باید انجام پذیرد و به عبارت دیگر در جهت پاسداشت حقوق شهروندان باید اعمال گردد. موضوعاتی چون توهین و افترا، هتک حیثیت، تضارب منافع تجاری و اقتصادی (مانند کپی‌رایت)، حفظ حریم خصوصی و اشاعه فحشا از جمله موضوعاتی است که به ناچار اعمال محدودیت قانونی و حداقل را در دست‌رسی آزاد به اطلاعات ضروری می‌نمایند. نوشته حاضر، بایدها و نبایدهای این مقوله را بررسی کرده است.

مقدمه

دو دهه پایانی قرن بیستم میلادی با تحولاتی عظیم همراه بود که موجب تغییر در نگرش نسبت به جامعه جهانی شد و به دنبال آن صاحب نظران مختلف در رشته های گوناگون علوم هر کدام نظرانی جدید را ابراز داشتند.

در این میان شاید فناوری اطلاعات^۱ سهم بیشتری را به خود اختصاص داده چرا که هم در بعد فنی و هم در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آثار شگرف و وسیعی از خود به جای گذاشت. بدیهی است که این گونه تغییر و تحولات در هر بخش از اجتماع و در هر شاخه از علوم می تواند چالش های گوناگونی را برانگیزد که در این میان سهم چالش های حقوقی از اهمیت خاصی برخوردار است. فناوری اطلاعات از آغاز تاکنون مباحث عمیق حقوقی را به همراه داشته و صاحب نظران حقوقی کوشیده اند تا این چالش ها را به گونه ای پاسخ گویند. اگرچه به دلیل تحولات روزافزون این فناوری شاید کمتر بتوان همانند دیگر بخش ها پاسخی مناسب و شایسته ارائه کرد. در این میان برخی چالش ها به اقتضای ماهیت این فناوری، جدید و برخی دیگر قدیمی بوده چرا که در مقوله های مشترکی مانند مطبوعات نیز کاربرد داشته است.

بحث آزادی اطلاعات که شامل دسترسی آزاد به اطلاعات و ارسال آزاد آن است از جمله مباحثی است که مبتنی بر اصل قدیمی آزادی بیان بوده که ابتدا در مقوله کتب و نشریات رخ نموده و امروزه در مقوله فناوری اطلاعات به طور جدی و با گستره ای وسیع تر مطرح است. لازم به یادآوری است اگر چه حق برخورداری آزاد از اطلاعات و لزوم آزاد بودن آن عمدتاً در دوران پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه جدی واقع شده لیکن در متون و اسناد پیشین نیز آثاری از آن دیده می شود.

تبیین اصل آزادی اطلاعات در اسناد حقوق بشر

بدون شک اطلاعات، نقش مهمی را هم در توسعه انسانی ایفا می کند و هم در شکل دادن هویت و شخصیت انسانی و نیز توسعه فردی. همچنین اطلاعات تأثیر بسزایی در توسعه جوامع در رابطه با مسائل اجتماعی و فرهنگی ایفا می کند.

واژه ترکیبی حق (دسترسی به) اطلاعات حاوی کلماتی است با

■ ورود به دورانی که به عنوان عصر اطلاعات شناخته شده در برگیرنده چالش های حقوقی، سیاسی و اجتماعی فراوانی است که امروزه در قالب مقوله های حقوق اینترنت و حقوق بشر رخ نمود.

مفاهیم مطلق و عام که در برگیرنده ابهاماتی است در حالی که وجود دیگر واژه های مشابه نیز بر این ابهام می افزایند. عبارات آزادی بیان، حق دانستن و حق برقراری ارتباط از این نوع هستند که البته برخی معتقدند ریشه تمامی آنها آزادی جریان اطلاعات و آزادی اطلاعات است.^۲

در این خصوص ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مقرر می کند که هر کس باید بتواند به طور آزاد از اطلاعات برخوردار باشد و آن را به اصل آزادی دسترسی به اطلاعات و ارسال آزادانه آن تعبیر می کنند.^۳ همچنین استدلال شده که آزادی اطلاعات برای عموم مردم ضروری است چرا که اطلاعات صحیح در خصوص دیگر فرهنگ ها و ملت ها موجب ایجاد فهم مشترک می شود و در نهایت صلح جهانی را ترویج می کند. در این خصوص قطعنامه ۵۹/۱ مصوب ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل مقرر می دارد:

- آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشر است و سنگ بنای تمام آزادی هاست که سازمان

ملل نسبت به آن متعهد است.

- آزادی اطلاعات به طور ضمنی در برگیرنده حق گردآوری، ارسال و انتشار اخبار در هر جا و توسط هر کس بدون هیچ مانعی است.

- آزادی اطلاعات به عنوان یک عنصر لاینفک تمایل و توان به کارگیری امتیازات خود را بدون سوءاستفاده الزامی می داند. آزادی اطلاعات به عنوان یک امر اساسی که تعهدات اخلاقی برای یافتن وقایع بدون هرگونه مخاطره و برای گسترش دانش بدون قصد سوء الزامی می داند.^۴

این ماده با وضوح بیشتری در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ نیز تکرار شده است و علاوه بر آن در اعلامیه ۱۹۹۰ حقوق بشر اسلامی در ماده ۲۲ به گونه ای دیگر ذکر گردیده است.^۵ همچنین ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی نیز بر آزادی بیان تأکید کرده است.^۶ علاوه بر آن پیش نویس منشور حقوق بنیادین بشر که قرار است جزو جدایی ناپذیر قانون اساسی اتحادیه اروپایی قرار گیرد، بر این حق تأکید ورزیده و ماده ۱۱ این منشور حق آزادی بیان، عقیده و ارسال و دریافت آن را بدون دخالت نهادهای قانونی به رسمیت شناخته است.^۷

همچنین کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده ۱۷ خود، دولت های عضو را متذکر اهمیت جایگاه رسانه های عمومی کرده و از آنها می خواهد

تا با اتخاذ تدابیر لازم، دسترسی کودکان را به اطلاعات و مطالب مربوط به ملیت‌های گوناگون فراهم آورند. مخصوصاً با توجه به مفاد ماده ۲۹ کنوانسیون اطلاعاتی که در سلامتی روح و روان و جسم وی مؤثرند.

از آنجا که رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش مهمی در رفع منازعات و شرایط بحرانی داشته باشند، اصل آزادی اطلاعات تضمینی برای ایفای چنین نقشی خواهد بود و از این رو ملاحظه می‌شود که حتی قبل از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر اسناد بین‌المللی دیگری برای تحقق چنین امری تدوین شده بود. در این ارتباط می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۳۶ راجع به انتشارات و سخن‌پرانی در جهت صلح نام برد که به همراه کنوانسیون ۱۹۵۲ و اعلامیه یونسکو در ارتباط با اصول بنیادین راجع به همکاری رسانه‌های جمعی در تقویت صلح ۱۹۷۸ که همه آنهاضمن تأکید بر اصل آزادی اطلاعات بر پرهیز از تبلیغات جنگی، افکارنژادپرستانه، و دیگر اعمال و رفتارهای ناقض حقوق بشر اصرار نموده‌اند. لازم به تذکر است که این روند در دهه ۹۰ میلادی نیز مورد توجه سازمان ملل بود و قطعنامه‌های ۱۹۹۰/۴۵/۷۶ مجمع عمومی، قطعنامه ۱۹۹۷/۲۷ کمیسیون حقوق بشر و قطعنامه ۱۲/۱۹۹۷ نوامبر یونسکو همگی حاکی از این نگرش هستند.

اجرای این اصل تا زمانی که هنوز فناوری اطلاعات به این وسعت و گستره دست نیافته بود، شاید چندان چالش برانگیز نبود چرا که کندی سرعت وسایل و ابزار اطلاع‌رسانی خود مانعی جدی بر سر راه اجرای این اصل به شمار می‌رفت. اما در دو دهه اخیر و با ظهور فناوری اطلاعات و گسترش آن در تمامی اجزاء اجتماع، دغدغه‌های خاطر بسیاری را موجب شده است. به عبارت دیگر دو دهه اخیر، خود آغازی است بر تحقق حق آزادی اطلاعات که در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ مندرج شد.

اصولاً جوامع بشری خود دارای ارزش‌هایی هستند که به عنوان کرامت ذاتی انسان مدنظر واقع شده و باید به گونه‌ای صحیح و به همراه توسعه و تحولات آن حفظ و حمایت شوند.

■ حق برخورداری از اطلاعات و لزوم آزاد بودن جریان آن، از جمله حقوقی است که به ویژه پس از جنگ جهانی به عنوان مقوله‌های حقوقی رخ نموده و خود موجب افزایش اهمیت اصولی دیگر همانند اصل آزادی مطبوعات و یا بیان شده است.

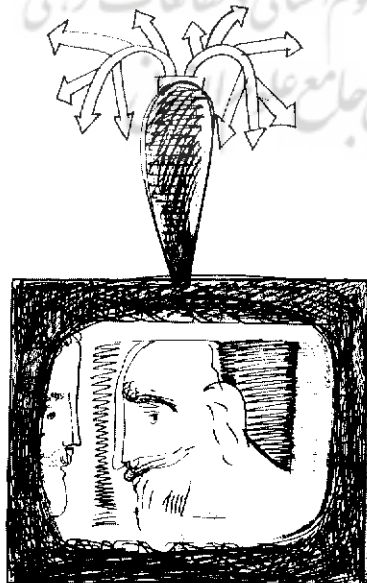
بدیهی است که این حمایت‌ها لزوماً نمی‌توانند با همان روش‌های سنتی حاصل شوند، بلکه باید از طریق دسترسی به اطلاعات، دانش، فرهنگ‌ها و آموزش حاصل شود. چرا که این تحولات بشری اگرچه اموری درون انسانی نیز تلقی شوند اما به لحاظ در برداشتن آثاری وسیع در اجتماع و توان نفوذ در خور توجه بر تحولات جامعه، شایسته است مورد توجه جدی صاحبان اندیشه و نظریه‌پردازان نیز قرار گیرد.

در این زمینه می‌توان گفت که امروزه و در عصر اطلاعات، اینترنت و به طور کلی فضای کلی حاکم بر فناوری اطلاعات به دلیل برخوردار بودن از شفافیت در تمامی امور، عزم آن دارد تا موجبات توزیع عادلانه اطلاعات را برای همگان فراهم کند و لذا برخی، از آن به عنوان فرهنگ رایانه‌ای^۱ و فضای رایانه‌ای^۲ نام می‌برند.^۳

آنچه مسلم است آن که اطلاعات چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، نقشی بس مهم را در شکل‌گیری شخصیت و هویت بشر ایفا می‌کند. در بعد فردی، گسترش اطلاعات صحیح می‌تواند انسان‌ساز بوده باشد و فرد انسانی را از تاریکی جهالت و نادانی به قله‌های رفیع علوم و دانش سوق دهد و او را از عنصری بی‌تحرك به عاملی فعال تبدیل کند که این ویژگی مسلماً می‌تواند در بعد اجتماعی موجب تبدیل شدن به عنصری مفید و پویا شود.

بررسی اصل دسترسی آزاد به اطلاعات در پیش‌نویس اعلامیه اصول

اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی طی دو مرحله برگزار می‌شود. مرحله اول در ژنو است که به میزبانی دولت سوئیس از ۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ (برابر با ۱۹ تا ۲۱ آذرماه) انجام می‌پذیرد. مرحله دوم به میزبانی دولت تونس، از ۱۶ تا ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ (۲۵ تا ۲۷ آبان ماه ۱۳۸۴) برگزار خواهد شد. این اجلاس وظیفه دارد تا پیش‌نویس اعلامیه‌ای را به عنوان راهکار اصلی جامعه جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی به تصویب برساند که در این ارتباط در مارس سال ۲۰۰۳ م پیش‌نویس اعلامیه اصول براساس



بحث‌های انجام شده در گروه کاری کمیسیون فرعی دو منتشر شد و قرار است به زودی در اجلاس سران مورد بحث و تصویب قرار گیرد. اعلامیه در بخش اول خود تعهد دولت‌های شرکت‌کننده برای ایجاد یک جامعه جدید را با عنوان جامعه اطلاعاتی بیان می‌کند که این جامعه باید در نهایت برای دستیابی به صلح و رفاه و عدالت جهانی براساس انسانیت مشترک تلاش کند.^{۱۱}

این سند سپس در بندهای بعدی همین بخش به اهمیت اطلاعات پرداخته و بر ضرورت گسترش آن و نیز کاربردهای آن می‌پردازد.^{۱۲} با بررسی دقیق می‌توان بیان داشت که سه محور اصلی آزادی اطلاعات و تأکید بر ایجاد بسترهای لازم در این خصوص، حفظ حریم و حقوق خصوصی و حقوق عمومی مردم و بالاخره تساوی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه در این پیش‌نویس از جایگاه مهمی برخوردار است.^{۱۳}

عرفی شدن اصل آزادی اطلاعات

قبل از ورود به این بحث لازم است تا مختصری پیرامون شرایط شکل‌گیری عرف در حقوق بین‌الملل توضیح داده شود.

ماده ۲۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی از جمله دلایل و استنادات این دیوان را در صدور آراء، عرف بین‌المللی می‌خواند و آن را به عنوان دلیلی بر وجود رویه عام مورد قبول به عنوان حقوق می‌داند. (بند ۵ از قسمت ۱ ماده ۳۸)

در این‌که عرف چیست و مفهوم آن کدام است، صاحب‌نظران حقوقی اختلاف نظر دارند و رویه‌های بین‌المللی محاکم نیز حاکی از عدم وحدت نظر در این خصوص می‌باشد.^{۱۴}

آنچه مسلم است وجود دو عنصر معنوی و مادی است که به گونه‌ای در این ماده به کار رفته و می‌تواند به عنوان سنگ زیرین این بحث قرار گیرد. به عبارت دیگر اتخاذ اقداماتی که موید عنصر مادی عرف باشد از یک سو و وجود یک باور عام در الزامی بودن و حقوقی بودن آن عمل از سوی دیگر، می‌توان عرف را شکل دهند. اما در همین خصوص نیز حقوقدانان به راه‌های مختلف رفته و لذا در تبیین دقیق آن شرایطی را تعیین کرده‌اند. مثلاً این‌که اقدام اتخاذ شده باید از سوی تعداد قابل توجهی از دولت‌ها انجام شود، این اقدام در مدت زمان قابل توجهی انجام پذیرد، اعتقاد و باور به انجام آن عمل داشته باشند و بالاخره

■ دوده پایانی قرن بیستم میلاادی با تحولاتی عظیم همراه بود که موجب تغییر در نگرش نسبت به جامعه جهانی شد و به دنبال آن صاحب‌نظران مختلف در رشته‌های گوناگون علوم هرکدام نظراتی جدید را ابراز داشتند.

رضایت و یا سکوت سایر کشورها نسبت به آن الزامی است. این شرایط بعضاً در آراء بین‌المللی محاکم نیز آشکار شده است. از جمله در رأی ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰ دیوان اعلام کرد که: قاعده عرفی که دولتی به آن استناد می‌کند باید مطابق با یک عادت مستمر و یکسان باشد.^{۱۵} البته آنچه مهم است و بارها از سوی صاحب‌نظران حقوقی و آراء صادره از سوی دیوان دادگستری مورد تأکید قرار گرفته است عنصر معنوی و یا *Opinio Juris* می‌باشد که از آن به عنوان اعتقاد به الزام‌آور بودن انجام یک عمل برطبق حقوق موجود، نام برده شده است.^{۱۶}

آنچه که در مجموع می‌توان به عنوان نتیجه این بخش اعلام داشت، این است که عرف بین‌المللی مندرج در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان دادگستری دارای دو عنصر مادی و معنوی است که البته با توجه به گسترش قلمرو عنصر مادی به کلیه اقدامات تابعان حقوق بین‌الملل و محدود نبودن آن به ظرف زمانی، عنصر معنوی و یا همان اعتقاد به الزام‌آور بودن و حقوقی شناختن اقدام مزبور، نقش مؤثری را در شکل‌گیری یک عرف بین‌المللی ایفا می‌کند.

تلاش‌های گسترده جوامع و دولت‌های عضو جامعه جهانی در خصوص آزادی فضا و تحولات دهه هفتاد میلادی در سازمان ملل در جهت گسترش فعالیت‌های ماهواره‌ای، نشانگر آن است که این اصل از مقولات عرفی حقوق بین‌الملل شناخته شده و امروزه کمتر کسی به آن اعتراض دارد. حتی تحولات فنی دو دهه اخیر خود مزید بر علت شد و کشورهایی را که مدعی اعمال محدودیت براین اصل بودند، دچار تحول نمود و لذا امروزه مشاهده می‌شود که غالب کشورها با دسترسی مستقیم و یا غیرمستقیم به فناوری ارتباطات در صدد گسترش مرزهای آزادی اطلاعات هستند.^{۱۷} این مجموعه رفتارهای مستمر دولت‌ها در به رسمیت شناختن حق یکدیگر برای ارسال اطلاعات در فضا امروزه به عنوان یک قاعده عرفی مورد قبول جامعه جهانی واقع شده است. اما فراتر از عرفی شدن اصل آزادی اطلاعات شاید بتوان ویژگی همگانی شدن و الزام‌آوری را نیز برای آن در نظر گرفت. دو قاعده معروف عام‌الشمول بودن یا *Erga Omnes* و الزام‌آور بودن *Jus Cogens* امروزه در حقوق بین‌الملل جایگاهی بس مهم داشته و در بسیاری از قضایای بین‌المللی مورد استفاده واقع شده است. آنچه که به‌طور خلاصه می‌توان بیان داشت، آن است که چنانچه یک قاعده عرفی

به‌گونه‌ای مورد پذیرش عام دولت‌های جامعه جهانی قرار گیرد که احتمال مخالفت با آن وجود نداشته باشد و دولت‌ها اجرای آن را در همه جا رعایت کنند، این قاعده عام‌الشمول است و نیز چنانچه آن را الزامی بیندارند و تخطی از آن را جایز نشمرند، دارای ویژگی الزامی بودن Jus Cognes می‌شود. در این ارتباط کنوانسیون حقوق معاهدات وین مقرر می‌دارد:

هنجار پذیرفته شده و شناخته شده توسط جامعه بین‌المللی دولت‌ها

به عنوان هنجاری که تخطی از آن مجاز نیست و تنها می‌تواند به وسیله یک هنجار عمومی حقوق بین‌الملل که دارای همان ویژگی‌ها باشد جایگزین گردد.^{۱۸}

پس از تحولات دهه هفتاد میلادی و بحث‌های انجام شده پیرامون آزادی ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای امروزه می‌توان اعلام کرد که شمول این دو قاعده امری است آشکار به گونه‌ای که اعلام عدم پذیرش آن از سوی هیچ دولتی پذیرفته نیست. و فراتر آن که دولت‌ها مکلف شده‌اند تا مقدمات اجرای این اصل را فراهم آورند. از این رو می‌بینیم که در قوانین اساسی کشورهای جدید و یا در معاهدات جدید حقوق بشر این امر کراراً ذکر شده و دول عضو در پذیرش آن تردیدی به خود راه نمی‌دهند. پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپایی که اخیراً ارائه شده دربرگیرنده چنین اصلی است.^{۱۹}

موانع بازدارنده جریان آزاد اطلاعات

آزادی اطلاعات که دربرگیرنده آزادی بیان، آزادی کسب اطلاعات و آزادی دریافت اطلاعات است، خود مبتنی بر نظریه تمایل به آزاد بودن اطلاعات است. به عبارت دیگر ذات اطلاعات مبتنی بر نشر و جریان یافتن آن در جوامع انسانی است. با این حال از آنجا که در مسیر آزادی بیان موانعی از قدیم‌الایام وجود داشته و

تاکنون نیز ادامه دارد و به دلیل آن که آزادی اطلاعات از سنخ آزادی بیان است و یا به عبارت دقیق‌تر، آزادی اطلاعات برپایه آزادی بیان شکل گرفته است، همان موانع آزادی بیان می‌تواند در مسیر اجرای آزادی اطلاعات ظاهر شده و مانع از ارسال و یا دریافت اطلاعات به افراد شود. این‌گونه موانع که حداکثر به اعمال محدودیت‌های سیاسی منجر

می‌شود، به طرق گوناگون و اغلب از سوی نظام‌های سیاسی غیرمردم‌سالار به مورد اجرا گذاشته می‌شود که در واقع مانعی برای رشد و تعالی بشر بوده و در نتیجه مانع توسعه و بالندگی جوامع انسانی می‌شود. هرازگاه نیز این موانع در شکلی قانونی رخ نموده و با دلایل موجهی موجبات توقف رشد و توسعه را در جوامع انسانی فراهم می‌آورند.

از جمله علل این رویکرد، جدایی بین دولت و فرد در نظام‌های

غیرمردم‌سالار است که چون دوگانگی بین آن دو به وجود آمده، برخی دولتمردان جریان آزاد و صحیح اطلاعات را مضر تلقی کرده و از عملی شدن آن خودداری می‌ورزند.

در این قبیل موارد اصرار بر قانونمندی نظارت دولتمردان، خود می‌تواند موجب محدود شدن دایره این نظارت‌ها شود و در نتیجه اطلاعات به‌طور آزاد جریان یابد. اما نباید این موضوع را نیز از نظر دور داشت که جامعه اطلاعاتی و فضای مجازی رایانه‌ای نمی‌تواند از فضای واقعی در جامعه اصلی دور نگه داشته شود و لذا همان‌گونه که نظم در هر جامعه‌ای در دنیای واقعی ضروری است برای فضای مجازی نیز وجود آن لازم و ضروری شمرده می‌شود.

ضرورت‌های جریان آزاد اطلاعات

بدون تردید جریان آزاد اطلاعات در دهه‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای یافته و نقش آن در رشد و توسعه و شکوفایی جوامع برهنگان روشن است. لیکن همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد نمی‌توان به بهانه این بالندگی از دیگر موارد چشم پوشید و جریان آزاد اطلاعات را به مثابه جاده‌ای یکطرفه در تحقق این رشد و پیشرفت تلقی کرد بلکه همان‌گونه که دیگر پدیده‌های نو و کهنه در جوامع انسانی دربرگیرنده آثار مثبت و منفی است، جریان آزاد اطلاعات نیز می‌تواند همانند دیگر پدیده‌ها دربردارنده آثاری سوء باشد. از آنجا که حفظ و دوام هر جامعه‌ای منوط به نظم موجود آن است، لذا می‌توان گفت که نظارت در هر جامعه‌ای جهت جلوگیری از تعدی به حقوق مردم و منع نقض حریم شهروندان ضروری است. این مهم را می‌توان به عنوان نظریه ضرورت نظارت در امر دسترسی آزاد به اطلاعات نیز معرفی کرد که به موجب آن

■ فناوری اطلاعات از آغاز تاکنون مباحث عمیق حقوقی را به همراه داشته و صاحب نظران حقوقی کوشیده‌اند تا این چالش‌ها را به گونه‌ای پاسخ گویند.

■ بحث آزادی اطلاعات که شامل دسترسی آزاد به اطلاعات و ارسال آزاد آن است از جمله مباحثی است که مبتنی بر اصل قدیمی آزادی بیان بوده که ابتدا در مقوله کتب و نشریات رخ نموده و امروزه در مقوله فناوری اطلاعات به‌طور جدی و با گستره‌ای وسیع‌تر مطرح است.

چنین حقی نمی‌تواند به عنوان امری مطلق و بدون قید و شرط تصور شده بلکه حفظ حریم خصوصی و حقوق افراد و نیز حقوق جوامع انسانی می‌طلبد تا تدابیری در این راستا اندیشیده شود.

اگر جریان آزاد اطلاعات می‌تواند به رشد، توسعه و بالندگی جامعه و نیز به تکامل انسان منجر شود، همچنین می‌تواند موجبات تخریب شخصیت انسان را نیز فراهم کند و به تبع آن به فروپاشی جامعه انسانی نیز بینجامد. لذا اندیشمندان علوم اجتماعی و مخصوصاً حقوقدانان به این سو تمایل دارند تا با استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف، ضمن حفظ دستاوردهای این پدیده نوین و استفاده صحیح از آن، از بروز مفاسد بشری جلوگیری کنند که البته برای تحقق چنین خواستی لزوماً باید تعاملی مثبت بین جامعه و دولت وجود داشته باشد تا بتوان رهیافتی شایسته به دست آورد.

بدین ترتیب همان‌گونه که اصل جریان آزادی اطلاعات مورد اجماع جامعه جهانی واقع شده است، اصل نظارت بر محتوای برنامه‌های اینترنت و مطالب موجود در آن نیز امروزه پذیرفته شده، اگرچه روش‌های متفاوتی در برخورد با این مهم به کار گرفته می‌شود.

ممنوعیت تبلیغ و تشویق به جنگ، منع تبلیغات با گرایش تبعیض نژادی از جمله مواردی است که در اسناد پیش گفته بین‌المللی، ذکر شده و امروزه از آن به عنوان یک قاعده عرفی نام می‌برند. این در حالی است که لزوم تکریم ارزش‌های هر جامعه و

مطلق نبودن اصل آزادی بیان حتی در کشورهایی مانند آمریکا و آلمان نیز از ابتدا در قوانین آنها ذکر شده است.^{۳۰} اگرچه اظهار شده که به دلیل وجود سنت محرمانه بودن امور دولتی در کشورهایی مانند آلمان و انگلیس، اصل دسترسی آزاد به اطلاعات و اسناد در عرف این کشورها چندان قابل استناد نیست و اصولاً اصل آزادی اطلاعات با حقوق کاملاً

بیگانه است.^{۳۱}

در هر حال با پذیرش این واقعیت و ضرورت عقلی آن یعنی نظارت بر اصل آزادی اطلاعات، این روش‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- رویکرد تقنینی

- رویکرد خود محدودیتی

- رویکرد خود مسؤولیتی

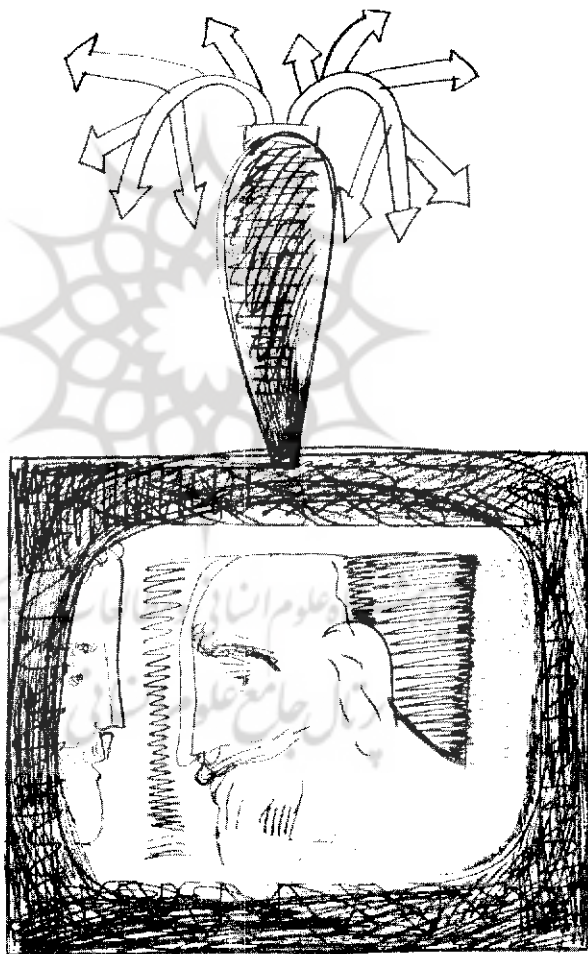
در روش اول با استفاده از وضع قوانین و مقررات سعی می‌شود تا محدودیت‌های قانونی برای استفاده از اینترنت و یا محتوای مطالب موجود در آن اعمال شود که البته در هر کشوری می‌تواند متفاوت باشد.

در روش دوم مدیران با توجه به نظرات خود و نیازهای کاربران، اقدام به استفاده از روش‌های نظارتی مانند فیلترگذاری کرده و یا استفاده از رمزهای ویژه، استفاده و دسترسی به آن را محدود می‌کنند. در روش سوم سعی می‌شود تا با بالا بردن سطح آگاهی کاربران، آنها را به نحوه استفاده از اینترنت و مطالب مورد نیاز خود آشنا کنند و خطرات و ضررهای احتمالی آن را گوشزد نمایند، اما محدودیت‌های قانونی و یا فیزیکی به کار نیندند.

حفظ حقوق عمومی و حریم‌های خصوصی

یکی از اصول اولیه حقوق بشر، حفظ حریم خصوصی افراد و عدم تعرض به آن است که عموماً در تمام اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، اگر چه نه در شکلی

واحد، یادآوری شده است. مثلاً میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در بند ۳ از ماده ۱۹ مقرر می‌کند که اعمال حق آزادی بیان و شقوق مندرج در بند ۲ همان ماده، مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاص است و از این‌رو ممکن است محدودیت‌های خاصی مطابق قانون بر نحوه اعمال آن وضع شود. این ماده در ادامه، این موارد را شامل احترام به حقوق و



حیثیت دیگران و نیز حفظ امنیت عمومی، نظم عمومی و یا سلامت و اخلاق عمومی می‌داند. همچنین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در ماده ۱۰ از آزادی اطلاعات سخن می‌گوید قبل از آن در ماده هشت از حمایت از حریم خصوصی سخن گفته و یا این‌که در همان ماده ۱۰ استثنائات چندگانه‌ای را متذکر شده است که شامل امنیت ملی، نظم عمومی، جرائم، حفظ سلامتی و بهداشت شهروندان و اخلاق عمومی است. چنین مقوله‌هایی در قوانین کشورهای دیگر نیز به‌گونه‌ای ذکر شده که شاید بتوان مجموعاً آنها را در سه گروه طبقه‌بندی کرد:

۱. الزامات مرتبط با حقوق عمومی

۲. الزامات مرتبط با حقوق خصوصی اشخاص

۳. الزامات مرتبط با حقوق تجاری

به عبارت دیگر دولت‌ها به سبب مسؤولیتی که نسبت به مردم و شهروندان داشته و باید مدافع و حامی حقوق آنان باشند، مکلفند تدابیری را اندیشه کنند که نظم عمومی و یا روابط خصوصی افراد و احاد شهروندان دستخوش تعرض واقع نشود. از این رو اقدامات چندی برای تحقق این مسؤولیت اتخاذ می‌شود که مهم‌ترین آنها در حوزه تقنین و قضا می‌باشد. به عبارت دیگر وضع قوانین مناسب برای برخورد با ناقضین حقوق مردم و یا محاکمه افراد متخلف، دو عنصر مهم در مسیر انجام وظیفه دولت جهت حفظ و حمایت از حقوق مردم است. موانع بازدارنده و نظارتی دولت‌ها عموماً در قوانین آنها ذکر شده و از آنجا که مجازات اعمالی که در قوانین، جرم شناخته نشده، خلاف موازین حقوقی است لذا اکثر کشورها سعی کرده‌اند که آن را در قالب قوانین و مقررات خود متذکر شوند. در این ارتباط می‌توان به قانون مصوب مرجع سخن‌پرانی در استرالیا اشاره کرد که مربوط به فیلترگذاری بر اینترنت است.^{۳۳}

همچنین می‌توان به مصوبه اخیر چین در سال ۱۹۹۷، مصوبات دولت دانمارک، آلمان، مالزی، بلاروس، عربستان سعودی، سنگاپور و آمریکا اشاره کرد.

در این میان، کشورهای توسعه یافته نیز براین عقیده هستند که اعمال محدودیت‌های قانونی می‌تواند استفاده از رایانه را بهینه کرده و راه‌های وارد آمدن ضرر به منافع عمومی و خصوصی جامعه را سد کند. اقدامات اتحادیه اروپایی در این زمینه در سال ۱۹۹۷ منجر به صدور اعلامیه‌ای گردید که مباحثی را در خصوص نظارت بر اینترنت مطرح می‌کرد و سپس در طرح اجرایی، جهت استفاده صحیح از اینترنت بر این

■ تلاش‌های گسترده جوامع و دولت‌های عضو جامعه جهانی در خصوص آزادی فضا و تحولات دهه هفتاد میلادی در سازمان ملل در جهت گسترش فعالیت‌های ماهواره‌ای، نشانگر آن است که این اصل از مقولات عرفی حقوق بین‌الملل شناخته شده و امروزه کمتر کسی به آن اعتراض دارد.

امر تأکید شد. اهداف این طرح عبارت بوده‌اند از:

۱. ایجاد فضای سالم در محیط رایانه‌ها

۲. توسعه و تحول در نظام فیلترگذاری و قیمت‌ها

۳. توسعه و تشویق و ترویج اقدامات هشداردهنده در راستای استفاده صحیح از اینترنت

مخصوصاً جهت خانواده‌ها و مدارس

۴. اقدامات حمایتی مانند نظارت بر استفاده از اینترنت و تحول در جایگاه قانونی آن

لازم به یادآوری است که اتحادیه اروپایی ضمن تأکید بر حفظ حریم خصوصی و حرمت و

حیثیت افراد، اقداماتی را در راستای نظارت بر اینترنت مقرر داشته است. در این ارتباط کمیسیون اتحادیه اروپایی در سال ۱۹۹۸ توصیه‌هایی را در جهت حمایت از اقلیت‌ها و کرامت انسانی در مسائل صوتی - تصویری و خدمات اطلاع‌رسانی ارائه کرد. این توصیه چندماه بعد در همان سال به تصویب پارلمان اروپایی نیز رسید. مفاد این توصیه‌ها ضمن تفکیک برنامه‌های غیرقانونی^{۳۴} از برنامه‌های مضر^{۳۵} راه‌حل‌های متفاوتی را پیش‌بینی کرده است. در خصوص برنامه‌های مغایر با قانون که عموماً مربوط به کودکان است، یک روش خودتنظیمی را پیش‌بینی کرده در حالی که در خصوص برنامه‌های مضر و خلاف عفت، روش جلوگیری و ممنوعیت را پیشنهاد کرده است. البته در هر دو مورد، روش‌های اجباری را پیشنهاد کرد که مبتنی بر ترس از برخورد نیست.^{۳۶}

در خصوص برنامه‌های غیرقانونی، راهکارهای اجرایی شامل وضع مقررات، اعلامیه و برجسب‌های هشداردهنده است در حالی که در خصوص برنامه‌هایی با محتوای مضر و زیان‌آور، فیلترگذاری به عنوان بهترین روش مخصوصاً برای خانواده‌ها و مدارس و مجامع عمومی مطرح شد.

اصولاً این اتحادیه به موجب بند ۱ از ماده ۲۵۵ معاهده خود، ملزم به فراهم کردن امکان دسترسی همگان به اطلاعات مربوط به نهادهای اتحادیه است و لذا در سال ۲۰۰۱ اسناد مربوط بر آن تأکید کرد لیکن در اجرای آن، دستورالعمل‌های بعدی استثنای مرتب با آن را متذکر شده است.

درحالی که نگرش کلی این طرح و یا طرح‌های مشابه آن بر مبنای استفاده سالم و صحیح از اینترنت است، کشورهای عضو این اتحادیه نیز خود مستقلاً براین موضوع نظارت و حساسیت خاصی را داشته و دارند. مثلاً آنان به دلیل قبول تعهداتی در دوران پس از جنگ دوم، خود را در قبال نشر افکار نژادپرستانه و یا نیز در قبال نشر آثار خلاف عفت متعهد و مسؤول می‌دانند و لذا اقداماتی را در راستای جلوگیری از گسترش این قبیل امور توسط اینترنت معمول داشته است. آلمان در سال ۱۹۹۷ و در

اجرای دستورالعمل‌های صادره از سوی اتحادیه‌های مصوبه‌ای^{۲۲} اقداماتی فنی را پیش‌بینی کرد که به موجب آن ارائه برنامه‌های خلاف عفت به وسیله روش‌های الکترونیک باید محدود به سن استفاده‌کنندگان باشد و از این رو لازم است تا روش‌های فیلترگذاری بر دستگاه‌های مستقر در مجامع عمومی (مدارس، کتابخانه‌های عمومی و غیره) اعمال شود تا از دسترسی افراد کمتر از ۱۸ سال جلوگیری شود. این قانون از جمله قوانین سخت در نوع خود در بین کشورهای اروپایی توصیف شده است.^{۲۳}

آمریکا نیز به عنوان یک کشور توسعه یافته و با گستره وسیع جغرافیایی، اگرچه برای اصل آزادی اطلاعات اهمیت زیادی قابل است و حتی دادگاه‌های این کشور برخی از مصوبات دولتی را در خصوص اینترنت مغایر با این اصل دانسته و آنها را ابطال نموده است، لیکن مقامات این کشور در استفاده از اینترنت خود را نسبت به مسائلی چون حریم خصوصی افراد، مواد مخدر، کپی‌رایت و ایراد خسارات به اشخاص حقیقی یا حقوقی (هکر) مسؤوَل دانسته و اقداماتی را در این راستا اتخاذ کرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که استفاده از روش فیلترگذاری بسیار مرسوم بوده و در بسیاری از ایالات از این راه برای پالایش برنامه‌های اینترنت استفاده می‌کنند.

این درحالی است که اقدامات جمعی دولت‌ها مانند گروه G7 نمود بازرزی داشته که مصوبه آن در جولای ۱۹۹۶ در این خصوص قابل توجه است. کشورهای آسیایی نیز بعضاً از نظریه آزادی مطلق اینترنت دفاع می‌کنند اما اغلب آنها به اعمال نظارت و محدودیت توجه دارند که البته میزان این نظارت‌ها متفاوت است.

علاوه بر نظارت‌های دولتی، امروزه بحث نظارت‌های غیردولتی نیز فراگیر شده است. دامنه این گونه نظارت‌های حمایتی در درجه اول متوجه والدین در کانون خانواده می‌شود که امروزه سعی می‌شود با تولید نرم‌افزارهای نظارت‌کننده بر گردش کودکان و فرزندان در فضای مجازی رایانه‌ای انجام پذیرد و در مرتبه بعد مدارس و دبیرستان‌ها جهت ارائه و استفاده صحیح از رایانه آن را در دستورکار خود قرار داده‌اند. نرم‌افزارهای Websense, Cyberpatrol, Surfwatch, Cybersitter, Bess, در این قالب قرار دارند.

نتیجه

به‌طور خلاصه می‌توان گفت استفاده از اینترنت با وجود گسترش و توسعه دامنه علوم و قلمرو فرهنگ‌ها، می‌تواند موجب ایجاد خسارات و

بدون تردید جریان آزاد اطلاعات در دهه‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای یافته و نقش آن در رشد و توسعه و شکوفایی جوامع برهمگان روشن است.

ضرر در رابطه با حقوق خصوصی و عمومی شهروندان شود و از این رو لزوم اعمال نظارت بر آن بر هیچ کس پوشیده نیست چرا که عقل سلیم بر وجود نظارت براین مقوله مهم حکم می‌راند. اما آنچه امروزه از آن بحث می‌شود چگونگی و سازوکار این نوع نظارت است که در این راستا هم‌اکنون در بین صاحب‌نظران، دو نظر غالب جهت استفاده صحیح از اینترنت وجود دارد.

۱. نظریه خود محدودیتی

۲. اعمال نظارت از طریق روش‌های

قانونگذاری، اجرایی و قضایی.

شاید بتوان گفت که هرکدام از این دو نظریه اصلی می‌تواند به نظریه‌های فرعی دیگری منجر شود، لیکن آنچه محرز است همه آنها به این دو نظر فوق گرایش خواهند داشت. در قسم اول کاربران حسب شرایط خاص خود سعی خواهند کرد تا با استفاده از روش‌هایی مانند فیلترگذاری و یا استفاده از رمز، دسترسی به اطلاعات را در محدوده‌ای خاص امکان‌پذیر سازند و در واقع یک نوع خود نظارتی ایجاد می‌شود. البته این نکته را نباید از یاد برد که این روش‌ها می‌تواند از سوی هر دو گروه اعمال شده و به واقع نظریه‌ای است میان بر، چرا که در هر صورت می‌تواند مورد استفاده واقع شود.

مثلاً فیلترگذاری می‌تواند هم از سوی استفاده‌کنندگان و به عنوان یک خود محدودیتی به کار رود و هم می‌تواند توسط مقامات دولتی و در مقام اعمال نظارت مورد استفاده واقع شود. بنابراین فیلترگذاری در واقع ابزاری است برای اعمال محدودیت که هر دو طرف ممکن است به کار گیرند.

در روش دوم، کاربران دخالت کمتری در نوع و میزان استفاده از اینترنت داشته و عموماً مقامات عمومی در قوای سه گانه سعی می‌کنند تا با وضع قوانین، اجرای صحیح و برخورد قضایی با متخلفان، بر استفاده از اینترنت نظارت داشته باشند. اگرچه این نوع نظارت عمومی در جای خود می‌تواند ضروری باشد اما باید توجه کرد که اعمال محدودیت فراتر از چارچوب‌های مشخص و ضرورت‌های خاص، منجر به واکنش‌های منفی و بروز ناهنجاری در اجتماع خواهد شد. □

^{۲۲} این مقاله برای اولین بار در دومین سمینار میان منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی- غربی و جامعه اطلاعاتی در شهریورماه ۱۳۸۲ ارائه شده است. نظر به اهمیت موضوع، رسانه اقدام به درج کامل مقاله می‌نماید.

8. Cyberculture

9. Cyberspace

10. Roger Clark, Freedom of Information? the Internet as Harbinger of the New Dark Ages, Free Reviewd Journal on the Internet, <http://www.firstmonday.dk/issues/issue4-11/clarke>, p 2

۱۱. اما به عنوان نمایندگان مردم جهان در اولین مرحله اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی از ۱۰۱۲ تا ۲۰۰۳ در ژنو گرد هم می آیم. مادر این اجلاس علایق مشترک را اعلام می داریم و متعهد می شویم که یک نوع جامعه جدید یعنی جامعه اطلاعاتی بر اساس اصول مندرج در منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر بسازیم که در آن جامعه فناوری های جدید به خصوص فناوری تأأ ابزار اساسی شود و برای همه قابل دسترس باشد و برای دستیابی به صلح بیشتر، رفاه و عدالت جهانی بر اساس انسانیت مشترک تلاش کنیم. (بخش اول، الف بند ۷)

۱۲. بندهای ۲ و ۵ مقرر می دارند:

۲. ما تشخیص می دهیم که علم و دانش، اطلاعات و ارتباطات هسته مرکزی پیشرفت، تلاش و رفاه انسانی است. به علاوه افزایش حجم، سرعت، و جریان اطلاعات که از طریق فناوری های اطلاعات و ارتباطات ایجاد شده اس تغییرات عمیقی در زندگی انسان ها و فرصت های جدید بسیاری ایجاد کرده است ولی هنوز به مرحله ای نرسیده که تمام مردم دنیا بتوانند از آن بهره ببرند.
۵. ما کاملاً آگاه هستیم که توانایی فردی و گروهی ما برای ایجاد و به اشتراک گذاشتن اطلاعات عامل محرکی در شکل سازی آینده ما است و اقدامی واقعی و الزام جهانی مورد نیاز است که اطمینان دهد چنین فناوری ه جدیدی دستیابی به اهداف برنامه توسعه هزاره را سرعت می بخشد.
۱۳. بند ۱۰ مقرر می دارد:

ایجاد محیطی که در آن محرمانگی و اعتماد در استفاده از ICT وجود داشته باشد و از امنیت شبکه ها و اطلاعات، خصوصاً در حفاظت از خصوصی سازی مظم شویم. (قسمت ۴ از بند ۱۰، از بخش ۱)
و در خصوص مسائل کشورهای در حال توسعه مقرر می دارد: جامعه اطلاعاتی باید با مصلحت تمام ملل و به صورتی عمل کند که تساوی و توسعه متعادل و هماهنگ دنیا را ضمانت کند. به خصوص مصالح کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه نیافته (LDC) و نواحی جزیره ای کوچک، کشورهای در حال انتقال اقتصادی و کشورهای جنگ زده باید در نظر گرفته شود و خصوصیات منحصر بفرد جغرافیایی و تنوع نفوس ملل و مناطق دنیا باید مورد توجه قرار گیرد. (بند C جامعه اطلاعاتی برای همه، اصول کلیدی).

همچنین در خصوص ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی در قسمت ۹ مقرر شده:
۵۲. دنیای علم باید با هدف حفظ ارزش های اخلاقی مانند اعتماد، عدالت، همبستگی، مدارا، شأن انسان، مسئولیت های مشترک و حسابرسی پیش برود. تمام اعضای جامعه اطلاعاتی باید در جست و جوی توسعه و بالابردن کالاهای عمومی و جلوگیری از سوء استفاده از ICT باشند.

۱۴. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، چاپ ۱۴، گنج دانش.

۱۳۷۹، صص ۱۴۶، ۱۳۹.

15. ICJ Reports, 1950, p 256.

1. Information Technology

2. Marian Koren, The Right to Information as a Condition for Human Development (1), 63rd IFLA General Conference- Conference Programme and Proceedings- August 31- September 5, 1997, NBIC the Hague, Netherlands, P5.

۳. هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد، این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دنبال نمودن و دریافت اطلاعات و عقاید از طریق هر وسیله و بدون توجه به مرزها و بدون دخالت دیگران است.

4. 59/1/1946

۵. ماده ۲۲ مقرر می دارد:

الف) هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان کند.

ب) هر انسانی حق دارد طبق شریعت اسلامی دیگری را به کار خیر فراخواند و از کار زشت باز دارد.

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است، و سوء استفاده از آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش ها یا منتشر شدن جامعه یا متلاشی شدن آن یا زیان یا متزل شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

ماده ۱۰ مقرر می دارد:

۱. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی عقیده و دریافت و ارسال اطلاعات و ایده ها بدون دخالت مقامات عمومی و بدون توجه به مرزها می باشد. این حق مانع دولت های عضو برای لزوم دریافت مج پخش، تلویزیون و شرکت های سینمایی نمی باشد.

۲. استفاده از این حق با توجه به دربر داشتن وظایف و مسئولیت ها، می تواند مشمول تشریفات اداری، شرایط محدودیت ها و یا مجازات هایی باشد که در قانون مقرر شده و یا در یک جامعه دمکراتیک جهت حفظ امنیت مل

تمامیت ارضی و یا بهداشت عمومی و برای جلوگیری از بی نظمی و یا جرائم، حفظ بهداشت عمومی و یا اخلاق عمومی، حمایت از حقوق و حرمت دیگران، و جلوگیری از افشای اطلاعات خصوصی دیگران و یا برای تأمین حفظ شوون و بی طرفی قوه قضاییه ضروری باشد.

7. C/3 64/11. Article 11 States:

1. Everyone has the right to freedom of expression. This right shall include freedom to hold opinions and to receive and impart information and ideas without interference by public authority and regardless of frontiers.

Conference Programme and Proceedings- August 31- September 5, 1997, NBLC the Hague, Netherlands

2. Gopal Krishna Siwakoti, Freedom of Expression and Prohibition on War Propaganda, 6 Oct, 2003, Executive Director INHURED International/HimRights-Pulchowk

3. Marianna Tax Choldin, Beginning a Conversation on Access to Information and Freedom of Expression, 62-nd IFLA General Conference- Guest Lecture-August 25-31. 1996. Beijing, China

4. Russell Bowden, Access to Information: A Librarian's Responsibility? Paper, Open Meeting of the Sri Lanka Library Association, 31 January 1999.

5. Fred H. Cate and Robert Litan, Constitutional Issues in Information Privacy, 9 Mich. Telecomm. Tech. L. Rev. 35 (2002). at <http://www.mtflr.org/volnine/cate.pdf>

6. Viktor Mayer-schönberger, Tere Foster, A Regulatory Web: Free Speech and the Global Information Infrastructure, 3 MICH. TELECOMM. TECH. L. REV. <http://www.mtflr.org/html/volume-three.html/foster.html>.

7. Alex Byrne, Freedom of Access to Information and Freedom of Expression in a Pluralistic World, Paper invited for The New Norcia Library Lecture, New Norcia, Western Australia 17 September 1998.

8. Christoph Sobotta, Freedom of Information in the European Union and Elsewhere, http://www/rz.uni-frankfurt.de/~sobotta/Christoph_Sobotta.htm

9. Eugene Volokh, Freedom of Information in European Union Law

10. Freedom of Speech, Cyberspace, And Harassment Law, 2001 Stan. Tech. L. Rev. 3 http://stlr.stanford.edu/STLR/Articles/01_STLR_3

11. Henrikas Yushkiavitchus, Freedom of expression in the context of development, paper invited for the International Conference: Freedom of Expression, Censorship. Libraries. Riga, Latvia. October 14-17 1998

۱۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین الملل عمومی، چاپ ۱۴، گنج دانش، ۱۳۷۹.

۱۳. زمانی، سیدقاسم. جایگاه اصل آزادی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در حقوق بین الملل عرفی در مجموعه مقالات چالش های حقوق و فرهنگی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در قرن ۲۱، سروش ۱۳۸۱.

16. ICJ Reports, 1986, paragraph 207, International Law, M.N. Shaw, 3rd ed., Groutis Publication Ltd., 1991, pp 72-76.

۱۷. برای بررسی بیشتر این موضوع رجوع شود به مقاله جایگاه اصل آزادی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در حقوق بین الملل عرفی از دکتر سیدقاسم زمانی، در مجموعه مقالات چالش های حقوق و فرهنگی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در قرن ۲۱، سروش، ۱۳۸۱، صص ۵۶۱.

18. Article 53 Vienna Convention on the Law of Treaties states:

A treaty is Void if, at the time of its conclusion, it conflicts with a peremptory norm of general international law. for the purposes of the

present Convention, a peremptory norm of general international law is a norm accepted and recognized by the international community of States as

a whole as a norm from which no derogation is permitted and which can be modified only by a subsequent norm of general international law having

the same character.

۱۹. ماده ۱۱ پیش نویس منشور حقوق بنیادین اتحادیه

20. Global Networks and Local Values, Chapter 5, p 2.

http://www.nap.edu/html/global_networks/es.html

21. Esther Tromp, Our Right to Know, Faculty of Law, University of Maastricht, p 27.

22. Who Censors the Internet and Why, Jana Varlej, the International Conference: Freedom of Expression, Censorship, Libraries, Riga, Latvia, October 14-17 1998,

http://www.ehj-navarre.org/aehj/who_censors.html.

23. Illegal Content

24. Harmful Content

25. Freedom of Expression and the Communication Networks. Council of Europe Document prepared for the Electronic Publishing, Books and Archives Project, Report prepared by Mr Paul Sturges, Department of Information and Library Studies,

Loughborough University, United Kingdom, p 50

26. Act on the Dissemination of Publication Materials Harmful to Youth

27. Ibid., p 51

منابع:

1. Marian Koren, The Rights to Information as a Condition for Human Development (1), 63rd IFLA General Conference -